

کتنه

وحید عظیم‌نیا

آقای وزیر نیرو با مردم روراست باشید

روز شنبه، درست در زمانی که آقای وزیر نیرو و مقابل دوربین صداوسیما از پایان قطعی‌های برنامه‌ریزی‌شده سخن می‌گفت، برق ساختمان روزنامه ما در مرکز پایتخت قطع شد! جایی که دست‌کم امکان اطلاع‌رسانی و دسترسی به خدمات بیشتر است، اما در بسیاری از روستاها ماجرا به چند ساعت بی‌برقی بر یک روز محدود نمی‌شود و برقی گاهی در دو نوبت قطع می‌شود؛ یک‌بار حوالی ۱۱ تا ۱۲ بار دیگر در ساعات ۱۸ تا ۲۰ یا ۲۰ تا ۲۲، یعنی درست در ساعاتی که مردم بیشترین نیاز را به برق دارند، در بعضی از این نقاط، با رفتن برق آب هم می‌رود و ارتباط تلفنی و اینترنتی نیز پس از مدتی از دسترس خارج می‌شود. علت فنی این وضعیت چندان پیچیده نیست، چراکه وقتی توان تولید در ساعت اوج پاسخگوی مصرف نباشد، شبکه باید به هر شکل ممکن بار خود را پایین بیاورد. بنابراین بخشی از این کاهش بار با قطع برق مشترکان انجام می‌شود و هرچه شبکه ضعیف‌تر و ظرفیت تجهیزات محلی محدودتر باشد، اثر آن شدیدتر خواهد بود، به همین دلیل خاموشی تکرار شونده در ساعت‌های مشخص را نمی‌توان صرفاً به خرابی اتفاقی یک تجهیز نسبت داد، بلکه الگوی زمانی خاموشی، خودش بخشی از توضیح فنی ماجراست و نیازی به توجیه‌تراشی جنب وزیر برای خاموشی‌ها نیست که آن را به خرابی محدود و مقطعی نسبت می‌دهند در روستاها یک مشکل دیگر هم وجود دارد یعنی برق فقط برای روشنایی خانه مصرف نمی‌شود، چراکه هم‌پای آب، تجهیزات مخابراتی و سایت‌های ارتباطی نیز به شبکه برق وابسته‌اند برای قطع برق فقط مدت محدودی باتری یا منبع پشتیبان دارند، بنابراین خاموشی طولانی بعد از آب، ارتباط را هم با خود می‌برد. در چنین شرایطی طبعاً کسی که چند ساعت برق ندارد، عملاً بخشی از خدمات ضروری زندگی روزانه‌اش را هم از دست می‌دهد. آنچه این وضعیت را قابل تأمل‌تر می‌کند، فرای خاموشی، نحوه مدیریت و اطلاع‌رسانی آن است، وزارت نیرو نمی‌تواند از یک طرف برنامه خاموشی را به مشترک اعلام کند و همان برنامه را اجرا کند و از طرف دیگر، پایان خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده را خبر بدهد! این دو گزاره در کنار هم قابل جمع نیستند و توضیح آن هم با تغییر نام خاموشی یا از جاع مردم به سامانه ۱۲۱ حل نمی‌شود، چون برنامه خاموشی پیش از آنکه به زبان وزیر برسد، روی صفحه مشترک نشسته و چند ساعت بعد در شبکه اجرا شده است.



ضمناً مسئولیت وزارت نیرو فراتر از تأمین برق، تنظیم رابطه میان واقعیت شبکه و انتظاری است که برای مردم ساخته می‌شود. وقتی قرار است خاموشی متوقف شود، نخستین نشانه آن باید در همان جدول‌هایی دیده شود که شرکت‌های توزیع در اختیار مردم می‌گذارند، نه اینکه جدول سر جای خود بماند و سخن مسئول تغییر کند! قاعدتاً اینجای پای یک اختلاف فنی کوچک در میان نیست، بلکه پای هماهنگی مدیریت در میان است که باید میان ستاد و وزارتخانه، شرکت توانیر و شرکت‌های توزیع یک تصمیم واحد را به شبکه برساند، ولی شور یاختانه مثل داستان آن «دو کاج»، گویا انتقال پیام ممکن نیست!

بدتر اینکه در چنین شرایطی، بار اطلاع‌رسانی دوباره به دوش مردم گذاشته می‌شود و از آنها خواسته می‌شود خاموشی را به ۱۲۱ گزارش کنند، در حالی که شبکه برای مدیریت آن ناشناخته نیست. مرکز دیسپاچینگ می‌داند چه مقدار بار از مدار خارج شده و شرکت توزیع هم می‌داند کدام منطقه خاموش شده است، پس اگر خاموشی برنامه‌ریزی‌شده است، دیگر گزارش مردم موضوعیتی ندارد و اگر برنامه‌ریزی شده نیست، باید روشن شود چرا در روستاهایی مشخص، در

ساعت‌های مشخص و به شکل تکراری اتفاق می‌افتد.

از طرف دیگر، نمی‌توان مدیریت خاموشی را فقط با معیار تهران سنجید که در ستاد وزارت نیرو روی یک جدول چند ردیفی دیده می‌شود، چراکه در روستا ممکن است به قطع همزمان برق، آب و ارتباطات منجر شود. بنابراین مدیریت شبکه در این مناطق به ملاحظه بیشتری نیاز دارد و زمان خاموشی مهم است و مهم‌تر از همه، تکرار آن اهمیت دارد، چراکه خاموشی ساعت ۱۱ تا ۱۲ خاموشی ۱۸ تا ۲۰ فقط دو باره زمانی روی کاغذ نیستند؛ یکی وسط فعالیت روزانه مردم اتفاق می‌افتد و دیگری در ساعات مصرف بالای عصر و شب، زمانی که وابستگی خانوار به آب، ارتباطات و برقی بیشتر می‌شود. طبعاً وزارت نیرو انتظار نمی‌رود همه خاموشی‌ها را با یک دستسور از میان بردارد، چه آنکه حتی نمی‌تواند یک تابستان بدون خاموشی را مدیریت کند! اما انتظار می‌رود برای چیزی که خودش مدیریت می‌کند، روایت دقیق داشته باشد. یعنی اگر تصمیم جدیدی گرفته شده است، باید به شرکت‌های توزیع ابلاغ شده باشد و اثرش در برنامه مشترک آن دیده شود و اگر هنوز محدودیت وجود دارد که دارد، باید با مردم روراست بود. خلاصه آقای وزیر نیرو، مسئله را پیچیده نکنید. اگر خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده تمام شده است، برنامه‌های خاموشی را جمع کنید و اگر تمام نشده است، همان را بگویید و اگر در برخی مناطق ادامه دارد که دارد، دلشلیش را روشن کنید. مردم قرار نیست میان خاموشی برنامه‌ریزی‌شده، «مدیریت بار» و «محدودیت شبکه» تفکیک قائل شوند تا سخن وزیر نیرو را بفهمند. آنها فقط می‌خواهند بدانند چرا در ساعاتی که روی برنامه نوشته شده است، برق دارند یا ندارند.

خبر

تکذیب ادعای جنجالی درباره مسیر ریلی ایران با چین و روسیه

پس از انتشار خبری درباره جلوگیری ترکمنستان و قزاقستان از عبور کالاهای ریلی چین و روسیه به مقصد ایران، راه آهن جمهوری اسلامی ایران این خبر را تکذیب کرد. به گزارش صدا و سیما، پس از انتشار خبری مبنی بر جلوگیری ترکمنستان و قزاقستان از انتقال ریلی کالاهای چین و روسیه به مقصد ایران به دلیل تبعیت از تحریم‌های جدید امریکا، راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران این خبر را تکذیب کرد. در پی انتشار این ادعا در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، شرکت راه‌آهن کشور اعلام کرد که خبر «مانعت ترکمنستان و قزاقستان از انتقال ریلی کالا از چین و روسیه به ایران به دلیل تبعیت از تحریم‌های جدید امریکا» کذب است. پیش از این، برخی رسانه‌ها مدعی شده بودند که دو کشور آسیای مرکزی در پی تشدید فشارهای تحریمی امریکا محدودیت‌هایی برای عبور محموله‌های ریلی با مقصد ایران اعمال کرده‌اند؛ ادعایی که می‌توانست مسیرهای مهم ریلی ایران با چین، روسیه و آسیای مرکزی را تحت تأثیر قرار دهد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که شبکه ریلی ایران از طریق مرز سرخس و دیگر مسیرهای ارتباطی، به شبکه حمل‌ونقل کشورهای آسیای مرکزی متصل است و این مسیرها بخشی از مبادلات و ترانزیت کالا میان ایران، چین، روسیه و کشورهای منطقه را پوشش می‌دهند.

گزارش یک

زیب زربین

سیاستگذاران ارز در میانه محدودیت‌های اقتصادی تحمیلی در تلاش برای حفظ جریان ارز است و سیاست جدید بانک مرکزی بر دو مسیر آسان‌تر کردن بازگشت ارز صادراتی و ساخت ابزارهای رسمی برای جذب تقاضایی که با هدف حفظ ارزش دارایی شکل می‌گیرد تمرکز دارد. داده‌های بانک مرکزی از دو برایشدن بازگشت ارز صادرکنندگان خود نسبت به مدت مشابه سسال قبل حکایت دارد و تأمین ارز واردات نیز ادامه دارد. با این حال مدیریت انتظارات مسئله‌ای تعیین‌کننده است و بخش ارتباطات دولت باید از خواب تابستانی بیدار شود و به جای سخنرانی‌های رنگارنگ برای برجسته کردن خودشان، به فکر مدیریت انتظارات هیجانی باشند.

□ □ □

کشورمان به دلیل حفظ استقلال و نفی دیکته‌های جریان استعمار مدرن، بارها با محدودیت دسترسی به منابع ارزی روبه‌رو شده و هر بار مسیرهای جایگزین برای تجارت، انتقال پول و تأمین نیازهای وارداتی در دستور کار قرار گرفته است. بنابراین فشارهای تحمیلی اخیر نیز از همین جنس هستند، با این تفاوت که این سری کلی تجربه داریم و می‌دانیم چطور پوزه دشمن را باید به خاک مالید. مفهوم «منابع ارزی» فقط به میزان دلار حاصل از فروش نفت محدود نمی‌شود و ارز صادرات محصولات صنعتی، پتروشیمی، معدنی و کشاورزی، همچنین درآمدهای حاصل از خدمات و سایر صادرات غیرنفتی، بخشی از ظرفیت اقتصاد برای تأمین واردات را تشکیل می‌دهد. طبعاً هرچه سهم بیشتری از این منابع به چرخه رسمی اقتصاد بازگردد، فشار کمتری برای تأمین ارز از ذخایر یا سایر کانال‌های محدود باقی می‌ماند.

اقدام بانک مرکزی برای تسهیل بازگشت ارز صادرکنندگان خود از همین زاویه قابل بررسی است. طبق آمار اعلام‌شده، بازگشت ارز این گروه نسبت به مدت مشابه سال گذشته دو برابر شده است و اگر این روند پابدار باشد، معنای آن فقط افزایش عرضه ارز نیست، بلکه کاهش بخشی از فاصله میان ظرفیت صادراتی کشور و منابعی است که عمل در اختیار نظام رسمی تأمین ارز قرار می‌گیرد.

تغییر دیگری که از دی ۱۴۰۴ اجرایی شده، تسهیل بازگشت ارز صادراتی به شکل اسکناس است. همچنین بر پایه ماده ۱۱ قانون برنامه هفتم پیشرفت، امکان معامله مستقیم ارز میان صادرکنندگان و واردکنندگان با شرایط توافقی فراهم شده است. این سازوکار در ظاهر یک تغییر معاملاتی است، اما اثر اقتصادی آن گسترده‌تر

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۹۰۶۰۸۵۲۳

همزمان با تلاش برای کنترل تقاضای هجومی

آرایش ارزی کشور برای جنگ اقتصادی تغییر می‌کند

سیاست جدید ارزی بانک مرکزی با تسهیل بازگشت ارز صادراتی و ساخت ابزارهای رسمی سرمایه‌گذاری می‌کوشد شوک کمبود منابع و هجوم تقاضای احتیاطی را در بازار ارز داخلی مهار کند

د

مسیرهای صادرات غیرنفتی، ابزارهای رسمی سرمایه‌گذاری و مدیریت منابع نفتی امکان حفظ جریان ارز را فراهم کرده‌اند و سیاستگذار اقتصادی باید همزمان با کنترل انتظارات تورمی، حمایت از تولید و بازگرداندن ارزهای صادراتی برای علاج محدودیت‌های تحمیلی اقتصادی تلاش کند

معاملات قبلی را در زمانی دریافت کند که صادرات جدید با محدودیت مواجه شده است. داده‌های اعلام‌شده درباره تأمین ارز واردات نیز از ادامه جریان تخصیص ارز حکایت دارد. نقطه قوت اقتصاد کشورمان در این مقطع، برخورداری از بازار داخلی بزرگ، ظرفیت قابل توجه انرژی، منطقه‌ای است. سیاست بازگرداندن ارز صادراتی را باید بخشی از راهبرد بزرگ‌تری برای حفظ جریان تجارت دانست، چراکه اگر ارز حاصل از صادرات غیرنفتی سریع‌تر و کم‌هرینه‌تر وارد چرخه اقتصادی شود، بخشی از نیاز وارداتی را پوشش می‌دهد و امکان مدیریت بهتر منابع محدود را فراهم می‌کند.

معدنی مهدی باقی‌آباد

البته موفقیت این ابزارها به اعتماد عمومی، بازدهی واقعی، نقدشوندگی و دسترسی آسان بستگی دارد. اگر یک ابزار مالی رسمی نتواند در برابر تورم و کاهش ارزش پول ملی جذابیت کافی ایجاد کند، تقاضای احتیاطی دوباره به سمت بازارهای غیررسمی حرکت خواهد کرد. بنابراین سیاستگذار علاوه بر معرفی ابزار جدید، باید درباره سازوکار، ریسک و بازده آن نیز شفاف عمل کند. اینجاست که اهمیت بدنه ارتباطاتی دولت خودنمایی می‌کند و مسئولان این بخش باید به‌جای خودنمایی، به فکر منافع جمعی باشند.

■ **جریان ارز متوقف نشده است**

یکی از نکات مهم مطرح‌شده درباره وضعیت فعلی، تفکیک میان صادرات نفت، فروش نفت و وصول درآمدهای نفتی است. یعنی این سه مرحله همزمان اتفاق نمی‌افتند. به عبارتی یک محموله نفت ممکن است صادر شده باشد، فروش آن انجام شده باشد، اما دریافت وجه آن با فاصله زمانی صورت گیرد. بنابراین صادرات با یک مقطع زمانی الزاماً به معنای قطع فوری ورود تمام درآمدهای نفتی نیست. این فاصله زمانی برای مدیریت ذخایر و جریان نقدینگی اهمیت دارد و بانک مرکزی می‌تواند بخشی از منابع حاصل از

خدمات مربوط نیست، یعنی خانوارها، بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران ممکن است در دوره‌های افزایش نااطمینانی، بخشی از دارایی خود را به ارز، طلا یا سایر دارایی‌های ضدتورمی منتقل کنند. این رفتار از نگاه فردی می‌تواند واکنشی طبیعی به کاهش قدرت خرید پول ملی باشد، اما در مقیاس اقتصاد کلان، افزایش هم‌زمان چنین تقاضایی فشار بیشتری بر بازار وارد می‌کند.

به همین دلیل بانک مرکزی به دنبال ایجاد ابزارهایی برای پاسخ رسمی به این نوع تقاضاست. در همین راستا راهاندازی اختیار معامله سکه و فراهم کردن مقدمات صندوق‌های درآمد ثابت ارزی و سپرده‌های سرمایه‌گذاری خاص ارزی، بخشی از همین سیاست محسوب می‌شود. هدف این است که فرد برای حفظ ارزش دارایی الزاماً به خرید مستقیم دلار در بازار غیررسمی وابسته نباشد. این بخش از سیاست ارزی اهمیت زیادی دارد، چون بازار ارز فقط با افزایش عرضه آرام نمی‌شود و اگر انتظارات تورمی بالا باشد، بخشی از جامعه ممکن است حتی با وجود عرضه مناسب نیز برای خرید ارز اقدام کند. بنابراین در چنین وضعیتی، ایجاد ابزارهای جایگزین می‌تواند بخشی از فشار تقاضا را از بازار اسکناس خارج کند.

برای مقابله با ناترازی گاز، دولت در برنامه هفتم توسعه، امکان مشارکت صنایع انرژی‌بر و پتروشیمی‌ها در توسعه میادین گازی را فراهم کرده تا صنایع به‌جای صرفاً مصرف‌کننده بودن، در تولید گاز هم سرمایه‌گذاری کنند، با این‌حال به دلیل برخی ابهامات، گزارش‌ها نشان می‌دهد که بخش خصوصی از این آیین‌نامه استقبال نکرده است. بر اساس اعلام منابع رسمی، وزارت اقتصاد در حال بررسی این مسائل است تا در صورت امکان، پیشنهاد اصلاحی برای آیین‌نامه موجود ارائه شود. در این میان بخش خصوصی نیز آمادگی خود را برای اصلاح آیین‌نامه اعلام کرده است.

□ □ □

جور ناترازی گاز در سال‌های اخیر بیش از بخش‌های دیگر بر دوش صنایع قرار گرفته و قطعی‌های مکرر گاز، صنایع انرژی‌بر و فولادی را با کاهش تولید و حاشیه سود مواجه کرده است. همزمان با نزدیک شدن به نیمه دوم سال، نگرانی‌ها در مورد تأمین گاز صنایع و نیروگاه هم شروع شده است. کارشناسان بر ضرورت افزایش عرضه از طریق مشارکت بخش خصوصی و البته مدیریت تقاضا و مصرف برای عبور از ناترازی‌ها تأکید دارند.

■ **جبران بخشی از ۳۵۰ میلیون مترمکعب ناترازی گاز با مشارکت بخش خصوصی**

بر اساس برآوردها، امسال حدود ۳۵۰ میلیون مترمکعب ناترازی گاز خواهیم داشت. آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران، ضمن هشدار درباره محدودیت گاز صنایع در پاییز و زمستان گفت: با توجه به کسری گاز، از پاییز تا اواخر دی‌ماه با شرایط سختی در تأمین انرژی مواجه خواهیم بود و باید با اصلاح جدی الگوی مصرف و استفاده از منابع جایگزین، از جمله انرژی خورشیدی و آبگرم‌کن‌های خورشیدی، تلاش کنیم زمستان را با حداقل تنش و خسارت پشت سر بگذاریم.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران همچنین درباره تابستان سال آینده هشدار داد و گفت: از اسفند امسال تا تابستان ۱۴۰۶ نیز با گرمای جدی مواجه خواهیم بود و لازم است از عبور از مدیریت مصرف و مقابله با تبعات آن برنامه‌ریزی کنیم.

نجفی تأکید کرد: مجموعه این شرایط نشان می‌دهد بدون برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی و

چکش کاری آیین‌نامه مشارکت صنایع در میادین گازی



می‌کنند، اما در زمان کمبود، نخستین قربانی محدودیت عرضه هستند، ولی طرح جدید تلاش می‌کند بخشی از صنایع را از جایگاه صرفاً مصرف‌کننده خارج و آنها را به سرمایه‌گذار در سمت عرضه تبدیل کند.

بر اساس آیین‌نامه، وزارت نفت می‌تواند توسعه یا افزایش تولید میادین گازی جدید را به سرمایه‌گذاران واگذار کند و گاز تولیدی نیز از طریق شبکه سراسری به واحدهای صنعتی طرف قرارداد برسد. از نظر سیاستگذاری، در این روش تأمین مالی توسعه میادین گازی صرفاً به منابع دولتی وابسته نمی‌ماند و صنایع بزرگ می‌توانند برای تأمین انرژی خود در ایجاد ظرفیت تولید مشارکت کنند. به‌ویژه برای فولاد، پتروشیمی و سایر صنایع انرژی‌بر که قطعی گاز مستقیماً تولید و سودآوری آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، چنین مدلی می‌تواند از یک هزینه تحمیلی به یک سرمایه‌گذاری بلندمدت تبدیل شود، اما نکته مهم طرح، فاصله میان حق سرمایه‌گذاری و حق دریافت گاز است.

■ **پیشنهاد اصلاحی برای آیین‌نامه موجود**

بخش خصوصی آمادگی خود را برای اصلاح آیین‌نامه اعلام

کرده است. در این شرایط مجتبی قاسمی، دبیر هیئت مقررات‌زایی و بهبود محیط کسب‌کار وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز در گفت‌وگویی با اشاره به مشکلات فعلی این آیین‌نامه گفت: وزارت اقتصاد در حال بررسی این مسائل است تا در صورت امکان، پیشنهاد اصلاحی برای آیین‌نامه موجود ارائه شود.

او افزود: بررسی‌های انجام‌شده از سوی بخش خصوصی نشان می‌دهد ابهام در نحوه تخصیص میادین، نبود تضمین روشن درباره دسترسی سرمایه‌گذار به گاز تولیدشده، فرآیند انعقاد قرارداد و همچنین بالابودن سرمایه مورد نیاز برای توسعه میادین، از جمله عواملی است که ورود صنایع به این طرح را

به‌تدرید مواجه کرده است.

قاسمی گفت: پیشنهاد این است که اگر قرار است سازوکار توسعه میادین به عنوان ابزاری برای تأمین انرژی پابدار صنایع دنبال شود، موانع ورود سرمایه‌گذار به شکل مشخص شناسایی و برای آنها راهکار ارائه شود. در این صورت، هیئت مقررات‌زایی می‌تواند در چارچوب وظایف خود، فرآیندهای مرتبط را بررسی و در صورت احراز شرایط، پیشنهاد اصلاحی ارائه کند و البته تصمیم نهایی درباره تغییر آیین‌نامه بر عهده هیئت وزیران خواهد بود.

فعالان صنایع انرژی‌بر معتقدند تا زمانی که رابطه میان سرمایه‌گذاری در میدان و حق برداشت از گاز تولیدشده شفاف نباشد، انگیزه ورود به پروژه‌های پرهزینه و بلندمدت کاهش می‌یابد. در کنار این موضوع، طولانی بودن فرآیند صدور مجوزها، نحوه قرارداد با شرکت ملی نفت و محدودیت بنگاه‌های کوچک برای تأمین سرمایه توسعه میدان، از دیگر چالش‌های مطرح‌شده است. با توجه به شرایط موجود و تشدید مسئله ناترازی گاز و انرژی، بر بررسی‌های انجام‌شده از سوی وزارت اقتصاد گامی مثبت برای تشویق بخش خصوصی به مشارکت در تولید گاز و سرمایه‌گذاری در میادین گازی است.

به نظر می‌رسد برخی موارد در قانون و به‌ویژه آیین‌نامه اجرایی آن نیازمند اصلاح است تا شرایطی ایجاد شود که سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان بتوانند از این ظرفیت قانونی استفاده کنند. در این راستا اتاق بازرگانی نیز می‌تواند با بررسی دقیق آیین‌نامه، موارد نیازمند اصلاح را احصا و پیشنهادهای بخش خصوصی را برای اصلاح آن به هیئت مقررات‌زایی ارائه کند.